**٦ - معالجه مغناطیسی و روحانی**

از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز : اگر دو جسم تماس بهم کند لابد بر این است که اجزاء میکروب از یکی به دیگری انتقال کند و همینطور که مرض از جسدی بجسد دیگر انتقال و سرایت سریع و شدید می‌نماید شاید صحت شدیده شخص صحیح نیز سبب تخفیف مرض بسیار ضعیف مریض گردد . . . . امّا قسم دیگر قوه مغناطیس است . . . . میشود که شخصی دستی روی سر کسی بگذارد و یا آنکه روی دل مریض شاید شخص مریض فائده حاصل نماید چرا که تأثیر مغناطیس و تأثّرات نفسانی مریض سبب شود و مرض زائل گردد این تأثیر نیز بسیار ضعیف و خفیف است امّا دو قسم دیگر که روحانی است یعنی واسطۀ شفا قوه روحانی است این است که شخص صحیحی شخص مریضی را بتمامه توجه کند و شخص مریض هم در نهایت قوه در انتظار باشد که از قوه روحانیه این شخص صحیح از برای من صحت حاصل خواهد شد و اعتقاد تامّ داشته باشد بقسمی که میانۀ آن شخص صحیح و میانۀ شخص مریض قلباً یک ارتباط تامّ پیدا گردد و آن شخص صحیح تمام همت را در شفای مریض بگمارد شخص مریض نیز یقین بحصول شفا داشته باشد از تأثیر و تأثّرات نفسانی در عصب هیجانی حاصل شود و آن تأثیر و هیجان عصب سبب گردد و مریض شفا یابد مثلش این است که شخص مریض را چیزی نهایت آمال و آرزو باشد بغتةً بشارت حصول آن را باو بدهند شاید در عصبش هیجانی حاصل شد و از آن هیجان مرض بکلی رفع گردد و همچنین چون امر پر وحشتی فجأةً رخ بدهد شاید در عصب شخص صحیح هیجانی حاصل گردد و از آن فوراً مرض حاصل شود و سبب آن مرض شیئی مادی نبوده ... از ارتباط کامل در میان شخص طبیب روحانی و شخص مریض بقسمی که آن شخص طبیب توجّه تامّ نماید و شخص مریض نیز جمیع توجّه خویش را حصردر شخص طبیب روحانی کندو منتظر حصول صحت گردد همین ارتباط سبب هیجان عصب شود واز هیجان عصب صحت پیدا گردد اما اینها همه بیک درجه تأثیر دارد نه دائما . . . یعنی این وسائط در مرضهای شدید حکمی ندارد مگر بنیه معاونت کند چرا بنیه قویه خیلی وقتها مرض را دفع کند این قسم سیّم بود و امّا قسم چهارم آن است که بقوه روح القدس شفا حاصل گردد و آن نه مشروط به تماس است و نه مشروط به نظر حتی و نه مشروط بحضور بهیچ شرطی مشروط نیست .